



## تفسیر روایی شیعی در ذیل استاندارد به سخنان معصومین(ع) عاری از تناقض است

در مکتب اهل سنت سخن همه صحابه قابل اتباع است و این در حالی است که صحیح دانستن بیانات صحابی، ما را دچار تناقض می‌کند و به همین جهت، در مکتب تشیع سخنان صحابه و تابعین مانند سایر مردم به محک و ارزیابی گذاشته می‌شود و تنها روایت تفسیری معصومین(ع) مورد وثوق است.

در مکتب اهل سنت سخن همه صحابه قابل اتباع است و این در حالی است که صحیح دانستن بیانات صحابی، ما را دچار تناقض می‌کند و به همین جهت، در مکتب تشیع سخنان صحابه و تابعین مانند سایر مردم به محک و ارزیابی گذاشته می‌شود و تنها روایت تفسیری معصومین(ع) مورد وثوق است.

مصطفی عباسی مقدم، عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان در گفت‌وگو با خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا) به بررسی تفاوت‌های تفاسیر روایی اهل سنت و شیعه پرداخت و گفت: یکی از روش‌ها و مکاتب تفسیری در عالم اسلام، روش تفسیر روایی، تفسیر نقلی یا تفسیر اثری است، اما نکته‌ای که قابل بررسی است، بحث تفاوت‌های دو مکتب تشیع و تسنن در ارتباط با نحوه تفسیر روایی در مبانی آن است و اگر بخواهیم تفاوت‌ها را مشخص کنیم، می‌توانیم به بحث در چند زمینه بپردازیم که یکی از آنها، اعتبار و سندیت تفاسیر روایی و منابع تفسیر روایی است که در اهل سنت و شیعه وجود دارد.

عباسی مقدم افزود: همان‌طور که می‌دانیم در تفاسیر اهل سنت و شیعه مهم‌ترین تفاوت آن است که در میان شیعه، تفسیر روایی فقط منحصر به فرمایشات پیامبر(ص) و معصومان(ع) است؛ به نظر این مکتب فقط پیامبر(ص) و ائمه(ع) هستند که می‌توانند منبع روایات تفسیری باشند و در واقع تفسیر روایی متشکل از سخنان و بیانات چهارده معصوم(ع) است و شرط مقام عصمت برای این‌که سخن افراد حجت باشد، مطرح است.

وی افزود: از آنجایی که ما تنها سخن چهارده معصوم(ع) را حجت الهی می‌دانیم و سخنان ائمه(ع) را در ادامه سخنان پیامبر(ص) می‌دانیم و باعث نجات انسان و حجت غیرقابل انکار می‌دانیم، بر این اساس تفسیرهایی را که آن‌ها از قرآن ارائه داده‌اند، برای ما حجیت پیدا می‌کند و ما موظفیم که به آن‌ها عمل کنیم و در مقام یافتن رهنمودهای آن‌ها باید تلاش کنیم در ذیل روایات موجود، آن روایاتی را که اعتبار و سندیت بالاتری دارند، بپذیریم و به آن‌ها عمل کنیم تا ان شاءالله به وظیفه شرعی و عقلی خودمان عمل کرده باشیم. از طرف دیگر تفسیرهای روایی اهل سنت در درجه اول متکی به سخنان پیامبر(ص) است و بعد از آن سخنان صحابه و تابعین، چون از نظر آن‌ها سخن صحابه و تابعین حجت است.

عباسی مقدم افزود: در مکتب اهل سنت همه صحابه عادل هستند و سخنانشان قابل اعتنا و اتباع است، در حالی که ما در مکتب تشیع هرگونه سخن از صحابه و تابعین مطرح شود، مانند سایر مردم به محک و ارزیابی گذاشته می‌شود و آن‌ها به مثابه یک راوی محسوب می‌شوند. اگر این سخن مبنای صحیحی داشته باشد و به صحت و درستی از طرف این صحابه و تابعین نقل شده باشد، آن وقت آن سخن قابل قبول است ولی اگر سخنان از جانب خودشان یا از جانب کسانی مانند خودشان باشد و نه از جانب معصومین(ع)، در این صورت، آن سخن فی نفسه باید بر اساس آیات قرآن و سخنان پیامبر(ص) ارزیابی شود و به تنهایی قابل قبول نیست. این یک تفاوت در مبنا و تعریفی است که شیعه و سنی در مواجهه با روایات تفسیری دارند.

وی ادامه داد: وقتی که ما قائل به عصمت اهل بیت(ع) در ادامه عصمت پیامبر(ص) هستیم، چون این عصمت شامل عصمت علمی و عصمت اخلاقی است، یعنی هم در مقام علم و دانششان معصوم هستند و هم در مقام عمل از اشتباه به دور هستند، بنابر این براساس این اعتقاد ماسخنی که از اهل بیت(ع) و چهارده معصوم(ع) در ارتباط باقرآن می‌شنویم، سخنی مبتنی بر منبع علم و عصمت است و بنابر این بالاترین اعتبار را خواهد داشت.

این محقق علوم قرآن همچنین اظهار کرد: اگر روایتی از روایی نقل شده باشد که آن راوی موثق باشد، در برابر چنین اعتباری دیگر جای هیچ تردیدی نیست، اما از طرف دیگر اعتبار روایات تفسیری طبقه صحابه و تابعین است که با توجه به اینکه صحابه و تابعین در بسیاری از موارد سخنان متفاوتی دارند، روایات متفاوت و گاهی متناقض از آن‌ها نقل شده است.

وی افزود: اجتناب از همه روایات و اعتباربخشی به آن‌ها نمی‌تواند ممکن باشد و ما را دچار مشکلاتی می‌کند؛ یعنی در عمل ما نمی‌توانیم به روایات متناقض یا روایات متضاد که از لحاظ مبنا با هم متضاد هستند، عمل کنیم. ما حتی در صورت وجود تناقض به روایات یک نفر از صحابه نمی‌توانیم عمل کنیم، چه برسد به روایات کل اصحاب.

عباسی مقدم در ادامه افزود: بعضی از صحابه چنان که قرآن می‌گویند و چنان که در روایات آمده و تاریخ هم شهادت می‌دهد، دچار مشکلات سوء اخلاقی بوده‌اند و مرتکب گناهانی می‌شدند یا بعضی از آن‌ها با هم درگیر می‌شدند. ما حداقل از این بابت می‌گوییم که اگر بخواهیم به روایات تفسیری صحابه یا تابعین عمل کنیم و همه را حجت بدانیم، طبعاً در مقام عمل دچار مشکل خواهیم شد؛ یعنی امکان این‌که به روایات مثلاً نقل شده از طریق سعید بن جبیر یا ابی بن کعب و ابن عباس عمل کنیم و در عین حال بخواهیم روایات نقل شده از ابوهریره از سدی از عطا را بخواهیم عمل بکنیم، دچار تناقضهای متعددی خواهیم شد.

وی ضمن بیان مثالی، خاطرنشان کرد: حتی مثلاً از یکی از بزرگان صحابه یعنی سدی دوم مواردی در تأیید توسل به پیامبر(ص) و توسل به ائمه اطهار(ع) نقل شده یا از بعضی دیگر از مفسرین دیدگاه‌های متفاوت یا متناقضی از ابوهریره نقل شده است که چون تعداد روایاتش بسیار زیاد است، دیدگاه‌های متفاوت و متناقض دیده می‌شود. پس این نکته را باید توجه داشت که عمل به روایت این‌ها عملاً ناممکن می‌شود.

این مدرس دانشگاه ادامه داد: درحالی که ما معتقدیم در میان روایات تفسیری شیعه و دیدگاه‌های ائمه(ع) دیدگاه‌های هماهنگی وجود دارد و تناقض در روایات آن‌ها هرچند متعلق به زمان‌های متعدد هستند، بعضی در زمان صحابه بودند و بعضی در زمان تابعین می‌زیسته‌اند، اما دیدگاه هماهنگی دارند. اگر هم جایی در نگاه بعضی تفاوتی دیده بشود با بررسی دقیق‌تر صورت گیرد، هماهنگی ایجاد می‌شود.

وی افزود: به همین دلیل است که مشکل اعتبار و مشکل ارزیابی در مورد آرای تفسیری اهل سنت وجود دارد؛ دو دیدگاه در بین علمای اهل سنت درباره ارتباط با ارزیابی روایت تفسیری مطرح شده است؛ یک دیدگاه متعادلی که می‌گوید روایات صحابی و تابعین را تماماً حجت می‌دانند چه این‌که حرف از پیامبر(ص) باشد یا نظر شخصی خودشان یا می‌خواهد به نقل از کعب‌الاحبار باشد یا از هر منبع دیگری باشد. چنین سخن تفسیری چون از صحابه و تابعین نقل شده است، آن را حجت می‌دانند و به اصطلاح سعی می‌کنند به آن عمل کنند.

وی ادامه داد: نظر دوم کمی متعادل‌تر است. این نظر می‌گوید مابه‌اقوالی که از صحابه و تابعین در تفسیر قرآن آمده است، به عنوان روایت مرفوع نگاه می‌کنیم. حدیث مرفوع یعنی اگر این‌ها در تفسیر، نظر خودشان را آورده باشند یا از پیامبر(ص) گفته باشند؛ در این صورت تفسیرشان مورد قبول است و ما آن‌ها را به عنوان روایت می‌پذیریم و به آن عمل می‌کنیم.

عباسی مقدم گفت: اگر از کتابی نقل کنند که می‌گوییم سخن‌شان حجت است یا می‌خواهند از پیامبر(ص) یا از صحابی نظیر امیرالمومنین(ع) یا ابن عباس نقل کنند، معتقد هستند تفسیر امیرالمومنین(ع) از نظر هر دو مذهب حجت است یا از ابن عباس یا از کسانی که مطمئن باشند که او از پیامبر نقل کرده، به این صورت نظرش قابل قبول است، ولی تعدادی از احادیث هست که در واقع آن را بدون نقل سند، بدون استناد به پیامبر(ص) یا دیگران از صحابه و تابعین نقل کرده‌اند که در این صورت با روایت ما به عنوان روایت مرفوع برخورد می‌شود و طبعاً مقداری بررسی و ارزیابی محتوایی لازم است.